

An Analysis of Implications and Consequences of Salafism for Semantics of Transmitted Attributes¹

Kumayl Shams al-Dini Mutlaq*
Ali Allahbidashti** Mustafa Sultani***

(Received on: 2018-03-08; Accepted on: 2019-04-13)

Abstract

Since early centuries AH in the Islamic world, various interpretations were proposed for certain Quranic verses and the Prophet's hadiths—attributes in these texts were later dubbed as “transmitted attributes” (*al-ṣifāt al-khabariyya*): attributes ascribed to God in religious texts, although it rationally seems impossible to ascribe them to Him in their literal meanings. Various accounts have been proposed of how they should be ascribed to God: anthropomorphism, interpretivism, and relegationism. In their analysis of such attributes, Salafis have adopted relegationism: ascription of the attributes to God, without interpreting them away. They do ascribe transmitted attributes to God in their literal meanings, although they acknowledge their failure to understand their quality. The Salafī semantics of transmitted attributes implies divesting God of His attributes, the denial of linguistic miracles of the Qur'an, and the impossibility of self-knowledge. This paper adopts an analytic-critical approach to consider the Salafī semantics of transmitted attributes. Their account contradicts the connotations and even apparent denotations of verses in which people are commanded to reflect and reason. Furthermore, the denial of the linguistic miracle of the Qur'an is not compatible with its eloquence.

Keywords: transmitted attributes, semantics, Salafī, relegationism (*tafwīd*), divesting approach (*ta'īl*), anthropomorphism (*tashbīh*).

1. This paper is derived from: Kumayl Shams al-Dini Mutlaq, *Barrasi-yi Tatbiqi-yi Ma'nashinasi-yi Sifat-i Khabari az Didgah-i Asha'irih va Salfiyyih va Imamiyyih ba Ta'kid bar Ara'-i Fakhr-i Razi, Ibn Taymiyyih, va Fazil Miqdad* (A Comparative Consideration of Semantics of Transmitted Attributes According to Ash'aris, Salafis, and Imamis with focus on the Views of al-Fakhr al-Razi, Ibn Taymiyya, and Fadil al-Miqdad). A doctoral dissertation. 'Ali Allahbidashti. University of Religions and Denominations, Qom, 2017.

* PhD student, Theological Schools, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), shamsoddinkomail@yahoo.com.

** Professor, Department of Philosophy and Kalam, University of Qom, Qom, Iran, alibedashti@gmail.com.

*** Assistant professor, Department of Islamic Schools (of Kalam), University of Religions and Denominations, Qom, Iran, proman.ms@gmail.com.

تحلیل لوازم و پیامدهای دیدگاه سلفیه در معناشناسی صفات خبری^۱

کمیل شمس‌الدینی مطلق*

علی‌الهداشتی** مصطفی سلطانی***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۴]

چکیده

از سده‌های نخست قمری، در جهان اسلام، دیدگاه‌های مختلفی درباره تفسیر برخی از آیات و روایات نبوی پدید آمد که بعدها صفات مذکور در آنها به صفات خبری شهرت یافتند. صفاتی که در متون دینی به خدا انتساب یافته‌اند، اما از نظر عقلی انتساب آنها به معنای ظاهری به او محال می‌نماید. چگونگی انتساب این صفات به خدا دیدگاه‌های تشبیه‌گرایی، تأویل‌گرایی و تفویض‌گرایی را پدید آورده است. سلفیان در تحلیل این صفات از دیدگاه تفویض‌گرایی، به معنای اثبات بلا تأویل، پیروی می‌کنند. آنان صفات خبری را به معنای ظاهری و حقیقی به خدا نسبت می‌دهند، اما خود را از فهم کیفیت آنها ناتوان می‌دانند. تعطیل‌گرایی، انکار اعجاز زبانی قرآن و امکان نداشتن شناخت خدا لازمه دیدگاه سلفیان در معناشناسی صفات خبری است. این مقاله با رویکرد تحلیلی-انتقادی، دیدگاه سلفیه در معناشناسی صفات خبری را بررسی کرده است. دیدگاه آنان بر خلاف مفاد و حتی ظاهر آیاتی است که در آنها به تدبر و تعقل امر شده است. انکار اعجاز زبانی قرآن نیز بر خلاف فصاحت و بلاغت آن است.

کلیدواژه‌ها: صفات خبری، معناشناسی، سلفیه، تفویض‌گرایی، تعطیل‌گرایی، تشبیه‌گرایی.

۱. این مقاله برگرفته از: کمیل شمس‌الدینی مطلق، «بررسی تطبیقی معناشناسی صفات خبری از دیدگاه اشاعره، سلفیه و امامیه با تأکید بر آراء فخر رازی، ابن تیمیه و فاضل مقداد»، رساله دکتری، علی‌الهداشتی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۶ است.

* دانشجوی دکتری مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

shamsoddinkomail@yahoo.com

** دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم، قم، ایران. alibedashti@gmail.com

*** استادیار گروه مذاهب اسلامی (کلامی)، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. proman.ms@gmail.com

مقدمه

یکی از تقسیمات صفات خدا، تقسیم به عقلی و خبری است. برخی از صفات خدا، مانند علم و قدرت و حیات، هم در متون دینی و هم از نظر عقلی به خدا انتساب می‌یابند؛ اما مستند برخی دیگر از صفات به او، مانند استوای بر عرش و داشتن عین و وجه و ید، تنها آیات و روایات است و از نظر عقلی انتسابشان با معنای ظاهری به خدا جایز نیست. دسته نخست را صفات عقلی و دسته دوم را صفات خبری می‌نامند. نام‌گذاری دسته دوم به صفات خبری به این دلیل است که تنها مستند آنها به خدا خبر (نقل) است. بنابراین صفات خبری صفاتی‌اند که از خلال آیات و روایات، بدون دلیل عقلی، برای خدا اثبات می‌شوند (نجار، ۱۴۲۳: ۱۱۰). از تعریف صفات خبری به دست می‌آید که ملاک در خبری بودن صفتی آن است که در متون دینی به خدا انتساب یافته باشد، اما عقل از انتساب آن به خدا خودداری کند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت هر صفتی که در متون دینی به خدا نسبت داده شده ولی عقل آن را به خدا نسبت ندهد، خبری است. در آیات و روایات، صفاتی همچون وجه، عین، ید، قبضه، تکلیم، نفس، استواء، فوقیت، نزول، مجیء، اتیان، جنب، منکب، رجل، کف، ساعد، اصابع و ضحک به خدا انتساب یافته‌اند (ر.ک: بیهقی، ۱۴۱۷: ۴۱۵-۲۲۷؛ رازی، ۱۴۱۵: ۷۰-۱۲۰)؛ اما عقل از انتساب آنها به معنای ظاهری به او ابا می‌ورزد.

در متون حدیثی، تفسیری و کلامی قرن‌های نخستین قمری، مباحثی گسترده درباره صفات خبری مطرح شده است، به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان جهان اسلام آیات محکم و متشابه را از عوامل شکل‌گیری علم کلام (نجار، ۱۴۲۳: ۲۷-۳۰) و صفات خبری را از علل اختلاف مسلمانان دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۹: ۲۲/۱). در قرن‌های مذکور و پس از آن طرح این مباحث بیشتر با عنوان تشبیه و تنزیه (همان) یا محکم و متشابه صورت می‌گرفت و از اصطلاح صفات خبری کمتر استفاده می‌شد، به گونه‌ای که مقاتل بن سلیمان در قرن دوم در تفسیر خود تنها یک بار این اصطلاح را به کار برده است (بلخی، ۱۴۲۳: ۱۹۶/۵). اشعری در *الابانه و مقالات الاسلامیین* از این اصطلاح نامی نبرده،

بیهقی نیز در *الاسماء والصفات* تنها یک بار از تعبیر «الاوصاف الخبریه» استفاده کرده است (بیهقی، ۱۴۱۷: ۴۸۰). به نظر می‌رسد رواج این اصطلاح در متون اسلامی از قرن‌های پنجم و ششم قمری یا کمی پیش از آن بوده است. در این دوره یکی از مسائل صفات خدا، که پیش‌تر از آن با عنوان تشبیه و تنزیه یاد می‌شد (حلی، ۱۴۱۹: ۲۲/۱)، صفات خبری عنوان گرفت. در قرن ششم متکلمانی همچون شهرستانی (شهرستانی، ۱۴۲۵: ۱۷۷) و ابن عطیه اندلسی (ابن عطیه، ۱۴۱۳: ۵۱۴/۴-۵۱۵) و در قرن هفتم سیف‌الدین آمدی (آمدی، ۱۴۲۳: ۱، ۴۶، ۴۶۹) از این اصطلاح استفاده کرده‌اند. در قرن هشتم در آثار علامه حلی (حلی، ۱۴۱۹) ابن تیمیه، ابن قیم (ابن قیم، ۱۴۱۵: ۱۵۲) و دیگران به وفور یافت می‌شود. البته اصطلاح صفات خبری بیشتر در میان متکلمان اشاعره رواج دارد (سبحانی، ۱۳۸۳: ۷۶/۲) و گفته شده برای نخستین بار، اشاعره صفات خدا را به عقلی و خبری تقسیم کرده و صفات خبری را در برابر صفات عقلی قرار داده‌اند (نجار، ۱۴۲۳: ۱۱۰)؛ بدین جهت می‌توان اشاعره را مبدع این اصطلاح دانست.

به دلیل وجود اوصاف خبری در قرآن کریم، بحث درباره آنها همواره کانون مجادلات فکری مذاهب کلامی بوده و متفکران هیچ یک از این مذاهب، ورود این صفات را در متون دینی انکار نمی‌کنند، بلکه بحث و نزاع درباره آنها در دو جنبه هستی‌شناسی و معناشناسی متمرکز است. انتساب این صفات به خدا در هستی‌شناسی اثبات یا رد می‌شود. بحث درباره این است که آیا خدا حقیقتاً این صفات را دارد و دیدگاه‌های مهم آن تنزیه - سلب - و اثبات است. طرفداران نظریه سلبی معتقدند که خدا از نظر هستی‌شناسی حقیقتاً این صفات را ندارد و ساحت مقدس او از انتساب چنین صفاتی مبرا است؛ اما طرفداران نظریه اثبات، خداوند را حقیقتاً دارای دست، وجه و دیگر صفات خبری می‌دانند.

در معناشناسی، بحث درباره معنای صفاتی مانند استواء، وجه و عین است که در متون دینی معمول گزاره‌های کلامی واقع شده‌اند و عقل به‌تنهایی انتساب آنها به خدا را جایز نمی‌داند. در این بحث معنای گزاره‌هایی مانند «خدا دست دارد»، «خدا چشم دارد» و «خدا بر عرش نشسته» بررسی می‌شود. متکلمان مذاهب اسلامی درباره معنا و تفسیر

صفات خبری نیز دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. کسانی که در وجودشناسی، انتساب حقیقی چنین صفاتی به خدا را منکر شده‌اند، در معناشناسی آنها را تأویل می‌کنند. امامیه در تحلیل آیات و احادیث خبری و مواجهه با ظواهر ابتدایی آنها تأویل را برگزیده‌اند. متکلمان این مکتب از منظر هستی‌شناسی، صفات خبری را در معنای ظاهری نفی می‌کنند؛ زیرا لازمه اثبات آنها را پذیرش جسمانیت برای خدا می‌دانند، اما از نظر معناشناسی، با تأکید بر تنزیه خداوند، از معنای ظاهری این صفات صرف‌نظر کرده، آنها را به معنایی متناسب با ذات خدا که منجر به تشبیه، تجسیم و تعطیل نشود، تأویل می‌کنند (ر.ک: فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۶۵-۱۹۵؛ طوسی، ۱۴۰۵: ۴۲). البته تأویل‌گرایی مختص امامیه نیست، بلکه معتزلیان، ماتریدیان و حتی برخی از اشاعره از آن پیروی کرده‌اند؛ برای نمونه، فخررازی (رازی، ۱۴۱۵: ۱۴۲) و غزالی (غزالی، ۱۴۰۹: ۱۳۳) در تحلیل صفات خبری، از اصل اشعری «اثبات بلاکیف» روگردان شده و از نظریه تأویل پیروی کرده‌اند.

آنان که در هستی‌شناسی، انتساب حقیقی صفات خبری به خداوند را پذیرفته‌اند، به دو گروه تقسیم شدند. مجسمه و مشبهه این صفات را به همان معنایی که در مورد انسان به کار می‌رود، به خدا نسبت دادند و در نتیجه گرفتار تشبیه و تجسیم شدند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱/۱۲۱)؛ برخی دیگر در صفات خبری توقف کردند. این گروه خود به دو دسته با دو نظر متفاوت تقسیم شدند: اثبات بدون تأویل و اثبات بدون کیف. دسته نخست صفات خبری را اثبات کرده، از تأویل آنها خودداری می‌کنیم. دسته دوم در حالی که صفات خبری را اثبات کردند، برای رهایی از تشبیه و تجسیم، قید بلا تشبیه و بلاکیف را به آنها افزودند. آنان می‌گفتند ما این صفات را به خدا نسبت می‌دهیم؛ اما کیفیت آنها در باره او نمی‌دانیم (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۲۹). بنابراین، تأویل‌گرایی، تشبیه‌گرایی و تفویض‌گرایی دیدگاه‌های مهم در معناشناسی صفات خبری به شمار می‌روند.

۱. سلفیه و معناشناسی صفات خبری

منظور از سلفیه در این نوشتار ابن‌تیمیه و پیروان او هستند که برای عقل در موضوعات ماورای طبیعت نقشی قائل نیستند، توجه تام به فهم سلف و ظاهرگرایی دارند (فخری،

۲۰۰۰: ۴۸۳-۴۸۴) و مجاز را در متون مقدس انکار می‌کنند (ابن تیمیه، بی‌تاب: ۱۱۳/۷). آنان صفات خبری را به معنای ظاهری و حقیقی به خدا نسبت می‌دهند و بر این باورند که تنها کیفیت این صفات از متشابهات است (همان: ۲۷۵/۱۳) و تأویل آنها به خدا واگذار شده است (همان: ۶۹-۵۵/۳).

سلفیان در مواجهه با صفات خبری، از نظریه تفویض‌گرایی پیروی می‌کنند. طرفداران نظریه تفویض دو دسته‌اند؛ برخی از آنان، مانند ابوالحسن اشعری، چون تنزیه دیگران را منجر به تشبیه و تجسیم خدا می‌دانستند، برای رهایی از تشبیه و تجسیم، قید بلا تشبیه و بلا کیف را به آنها افزودند. اشعری می‌گفت: «همه آیاتی که صفت عرش در آنها آمده، گواهی می‌دهند که این صفت بدون کیفیت بر خدا حمل می‌شود». وی در دیگر صفات خبری نیز قید بلا کیف را می‌افزود (اشعری، ۱۴۳۰: ۶۴-۶۷). مقصود از بلا کیف این بود که چگونگی وجه و ید در مورد خدا دانسته نیست و خصوصیت موجود در ید و وجه انسان - جسمانیت - برای خدا اثبات نمی‌شود؛ در عین حال از تأویل آنها خودداری می‌شود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۳۰۷). لازمه دیدگاه این گروه اجتماع نقیضین است؛ زیرا واژه ید در لغت بر هیئت و کیفیت مخصوص اطلاق می‌شود، اما اشعری آن را مترادف با بدون کیفیت دانسته است (سبحانی، ۱۴۲۵: ۳۷/۲).

برخی دیگر از طرفداران نظریه تفویض با اکتفا به صرف عدم تأویل، صفات خبری را به معنای حقیقی به خدا نسبت می‌دهند و پرسش درباره چگونگی آنها را بدعت می‌شمرند (ابن تیمیه، همان: ۲۵/۳). به گزارش شهرستانی در الملل و النحل، مالک بن انس از پیشوایان اصحاب حدیث، در پاسخ به سؤالی درباره آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵) می‌گفت: «استواء معلوم، چگونگی آن مجهول و سؤال درباره آن بدعت است» (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۰۵/۱). ابن تیمیه و پیروانش از طرفداران نظریه تفویض بلا تأویل به شمار می‌روند. آنان مدعی‌اند که در برخورد با صفات خدا از روش سلف پیروی می‌کنند و هیچ یک از سلف این صفات را تأویل نکرده‌اند (ابن تیمیه، بی‌تاب: ۱۴۴/۵-۱۴۶) سلفیان انتساب صفات خبری به خداوند را حقیقی و به معنای ظاهری می‌دانند، هر گونه تأویل آنها را رد می‌کنند و بر این باورند که باید به این صفات ایمان داشت و درباره کیفیت آنها

سکوت و آن را به خدا واگذار کرد (همان: ۵۵/۳-۶۹). بنابراین آنان صفات خبری را از نظر هستی‌شناسی به معنای ظاهری و حقیقی اثبات می‌کنند، ولی درباره کیفیت آنها قائل به توقفند. البته پیش از ابن تیمیه، گروهی از پیشوایان سلف، مانند احمد بن حنبل و داود بن علی اصفهانی، روش متقدمان اهل حدیث از جمله مالک بن انس را برگزیده بودند و می‌گفتند: «ما به آنچه در کتاب و سنت آمده ایمان داریم؛ اما از تأویل آن خودداری می‌کنیم و در عین حال معتقدیم که خداوند با هیچ یک از مخلوقات خود شباهت ندارد» (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۰۶-۱۰۵/۱). فخر رازی، از متکلمان اشعری، معتقد است نتیجه دیدگاه سلف این است که خدا ظاهر متشابهات را اراده نکرده باشد، در حالی که بیشتر متکلمان می‌گویند باید متشابهات را تأویل برد (رازی، ۱۴۱۵: ۳۸).

ابن تیمیه مدعی است که صفات خبری درباره خدا و انسان به معنای حقیقی و ظاهری به کار می‌روند. او در معناشناسی این صفات به این نکته بسنده می‌کند که کاربرد صفات خبری درباره خدا و انسان یکسان نیست (ابن تیمیه، بی‌تاب: ۲۰۰/۵)؛ اما بیان نمی‌کند که این صفات درباره خدا چه کاربردی دارند که مانند کاربردشان درباره انسان نیست. از نظر ابن تیمیه، تنها تفاوت انتساب صفات خبری به خدا و انسان در این است که کیفیت این صفات درباره انسان معلوم و درباره خدا مجهول است (همان: ۳۶۳/۶) و بشر از فهم کیفیت آنها درباره خدا ناتوان است (همان: ۳۱۰/۱۳). البته ابن تیمیه جهل به کیفیت صفات را مختص به صفات خبری نمی‌داند، بلکه معتقد است کیفیت همه صفات خدا، حتی علم و قدرت، برای بشر مجهول است (همان: ۲۲۰/۳) و ما به آنها علم نداریم و مکلف به آن هم نیستیم (همان: ۲۵/۳).

دیدگاه سلفیه با صریح برخی از آیات قرآن که امر به تدبر و تأمل کرده‌اند، مانند «کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» (ص: ۲۹) و «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء: ۸۲)، سازگار نیست. طرفداران این دیدگاه بشر را از فهم کیفیت صفات عاجز دانسته‌اند، در حالی که انسان به تفکر امر شده است. همچنین نظریه تفویض به این معنا، مبتنی بر آن است که از سویی ظواهر دینی حجیت داشته باشند و از سوی دیگر، بحث درباره

۲. لوازم و پیامدهای دیدگاه سلفیه

دیدگاه سلفیان در خصوص اثبات بلا تأویل در معناشناسی صفات خبری لوازمی را در پی دارد؛ برخی از آنها چنینند.

۱-۲. یکسان‌انگاری خدا و انسان

یکسان‌انگاری خدا با انسان، یا همان تشبیه خدا به مخلوقات، یکی از لوازمی است که از انتساب برخی از صفات خبری به معنای ظاهری به خدا به دست می‌آید. پذیرش صفات خبری به معنای حقیقی و ظاهری به معنای پذیرش یکسان‌انگاری خدا با انسان است؛ زیرا لازمه این ادعا که این صفات به همان معنایی که درباره انسان به کار می‌روند درباره خدا نیز کاربرد دارند، تشبیه خدا به انسان خواهد بود. یکسان‌انگاری خدا با انسان لازمه دیدگاه مشبهه و مجسمه در تحلیل صفات خبری است که این صفات را به معنای ظاهری بر خدا حمل می‌کنند؛ زیرا انتساب صفات خبری به معنای ظاهری و حقیقی (همان معنایی که درباره انسان به کار می‌روند) به خدا به معنای پذیرش خدایی انسان‌وار است که همچون انسان اعضا و جوارح دارد. همچنین می‌توان همانندی خدا با انسان را لازمه دیدگاه سلفیان نیز دانست، البته از نگاه هستی‌شناسی؛ زیرا آنان از نظر هستی‌شناسی، صفات خبری را به معنای ظاهری و حقیقی درباره خدا اثبات می‌کنند و تنها از نگاه معناشناختی بر این باورند که کیفیت انتساب این صفات به خدا برای بشر دست‌نیافتنی است. ابن تیمیه کاربرد مجازی صفات خبری درباره خدا را رد می‌کند و انتساب آنها به خدا و انسان را به معنای حقیقی و ظاهری می‌داند (ابن تیمیه، بی‌تا ب: ۱۰۷/۷). همین معنا برای اثبات تشبیه خدا به انسان کافی است. به گفته یکی از محققان این حوزه، «سلفیه در باب شناخت خدا با توجه به مبانی هستی‌شناسی‌شان اهل تشبیه‌اند» (الهداشتی، ۱۳۹۳: ۱۵۴). این در حالی است که اساساً تأویل صفات خبری از سوی تأویل‌گرایان برای فرار از محذور تشبیه و تجسیم خدا صورت می‌گیرد. البته تشبیه و یکسان‌انگاری خدا با انسان نیز لوازمی همچون تجسیم، ترکیب، نیازمندی و تنقیص خدا را در پی دارد که با تنزیه او سازگار نیست.

۲-۲. جسم‌انگاری خدا

جسم‌انگاری خدا یکی دیگر از لوازم حقیقی دانستن کاربرد صفات خبری درباره او است. لازمه کاربرد ظاهری صفاتی که به نحوی برای خدا اثبات عضو، مانند عین و وجه و ید، می‌کنند یا صفاتی که برای او جهت و مکان ثابت می‌کنند، همچون استوای بر عرش و نزول و رؤیت، این است که خدا دارای جسم باشد. جسم‌انگاری خداوند پیامد دیدگاه مجسمه و مشبیه و نیز لازمه دیدگاه سلفیان از نگاه هستی‌شناسی است که کاربرد مجازی صفات خبری را درباره خدا نفی می‌کنند و آنها را به معنای ظاهری و حقیقی به او نسبت می‌دهند. ابن تیمیه معتقد است که صفات خبری به همان معنای ظاهری و حقیقی که درباره انسان کاربرد دارند، به خداوند نیز انتساب می‌یابند (ابن تیمیه، بی‌تاب: ۳۵۵/۶)، در حالی که کاربرد حقیقی و ظاهری صفاتی مانند داشتن ید، عین و وجه ملازم با جسمانیت خدا است و جسمانیت خدا با مفاد و حتی ظاهر برخی آیات قرآن، از جمله «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص: ۴) و «وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: ۱۱)، منافات دارد (فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۶۸-۱۷۰). همچنین یکی از دلیل‌های تأویل‌گرایان برای مجازی دانستن انتساب صفات خبری به خدا فرار از محذور جسم‌انگاری خدا است. از نظر آنان، اجسام متمائند و متمائلات در لوازم اشتراک دارند و اگر برخی از اجسام نیازمند باشند، باید همه آنها را نیازمند دانست؛ در نتیجه اگر برای خدا جسم متصور باشد، باید نیازمندی و دیگر خصوصیات اجسام را نیز برای او پذیرفت (همان).

سلفیان با آنکه انتساب صفات خبری به خدا را حقیقی و به معنای ظاهری می‌دانند، تأکید می‌کنند که کیفیت انتساب این صفات به خدا دانسته نیست (ابن تیمیه، بی‌تاب: ۲۵/۳). می‌توان گفت نفی کیفیت صفات خبری از سوی آنان برای فرار از پذیرش محذور جسم‌انگاری خدا صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد می‌خواهند با نفی کیفیت صفات خدا خود را از دادن نسبت تجسیم به او تبرئه کنند، در حالی که انتساب صفات خبری به معنای ظاهری به خدا تجسیم او را به دنبال دارد؛ هرچند گفته شود کیفیت انتساب این صفات به خدا و انسان متفاوت است. به عبارت دیگر، نفی کیفیت صفات خبری از سوی سلفیان به این معنا نیست که این صفات کیفیت ندارند، بلکه آنان

برخلاف اشعری، بر این باورند که صفات خبری کیفیت دارند، اما کیفیتشان برای بشر دانسته نیست. در نقد آنان گفته می‌شود که اگر این کیفیت همان کیفیتی باشد که برای انسان متصور است به تجسیم خدا می‌انجامد و اگر کیفیتی دیگری باشد که برای بشر دست‌نیافتنی و مجهول است، به تعطیل و عدم شناخت خدا منجر می‌شود.

۲-۳. تعطیل‌گرایی

تعطیل‌گرایی یکی دیگر از پیامدهای دیدگاه تفویض‌گرایان در معناشناسی صفات خدا، به‌ویژه صفات خبری، است؛ زیرا بر اساس این دیدگاه، انسان از شناخت کیفیت صفات خبری عاجز است و فهم آنها به خدا واگذار شده است. هرچند طرفداران این نظریه از انتساب تعطیل‌گرایی به خود به‌شدت گریزانند (ر.ک: ابن‌تیمیه، ۱۴۲۷: ۲۶۳/۱)، لازمه دیدگاهشان تعطیل‌گرایی است؛ زیرا نفی کیفیت صفات خدا چیزی جز تعطیل باب معرفت نیست. به عبارت دیگر، آنان از نگاه هستی‌شناسی، صفات خبری را به معنای حقیقی و ظاهری به خدا نسبت می‌دهند؛ اما در معناشناسی برای فرار از پذیرش محذور تشبیه خدا به مخلوقات تأکید می‌کنند که کیفیت انتساب این صفات به خدا مانند کیفیت انتساب آنها به انسان نیست. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که کیفیت این صفات چگونه است که انتسابشان به خدا و انسان به یک معنا و کیفیتشان نسبت به آن دو متفاوت است؛ یعنی کیفیت آنها در انتساب به انسان دانسته، اما در انتساب به خدا مجهول است.

سلفیان انتساب صفات خبری به خدا را همانند صفات موجودات حادث نمی‌دانند، بلکه همانندی دست خدا با دست بندگان را نفی می‌کنند و می‌گویند خدا حقیقتاً دست دارد؛ اما دست او مانند دست بندگان نیست و چگونگی آن مجهول و دست‌نیافتنی است (ابن‌تیمیه، بی‌تا ب: ۳۶۳/۶). در نقد آنان گفته می‌شود که اگر خدا دست دارد و کاربرد ید درباره او و انسان به یک معنا است، چگونه کیفیت آن درباره خدا و انسان تفاوت دارد. به عبارت دیگر، اگر کاربرد صفات خبری، حقیقی و ظاهری باشد، کیفیت آنها نیز معلوم خواهد بود. علاوه بر این، دیدگاه سلفیان منجر به تعطیل‌گرایی می‌شود؛ زیرا از

طرفی برای صفات خبری کیفیتی غیر از کیفیت معمول آنها که درباره انسان به کار می‌رود، فرض می‌شود و از طرف دیگر ضمن تأکید بر معنای ظاهری صفات، کیفیت انتساب آنها به خدا برای بشر دست‌نیافتنی است. همچنین به گفته فخر رازی، خدایی که به زبان عربی با بندگان سخن گفته، شایسته است برای انتقال مقصود خود معنایی از الفاظ را اراده کند که در این زبان برای آنها وضع شده است. اگر هر لفظی یک معنا داشته باشد و در مواردی نتوان آن را به آن معنا دانست، تعطیل لفظ لازم می‌آید؛ برای نمونه اگر استوا معنایی جز استقرار و استیلا نداشته باشد و نتوان آن را به معنای استقرار دانست، باید آن را بر استیلا حمل کرد، وگرنه تعطیل لفظ لازم می‌آید (رازی، ۱۴۲۰: ۹/۲۲).

در نقد دیدگاه تفویض‌گرایان به همین اندازه بسنده می‌شود که این دیدگاه برخلاف برخی از آیات قرآن است که در آنها دعوت به تعقل و تدبر شده است؛ مانند آیه «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ» (نساء: ۸۲). همچنین برخلاف روایاتی است که تفکر و تعقل را بالاترین عبادت معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵/۲). امر به تدبر و تعقل در آیات (محمد: ۲۴؛ غاشیه: ۱۷) و روایات متعدد با قابل فهم نبودن کیفیت صفات خبری، که تنها منبع آنها قرآن و روایات است، سازگار نیست.

۴-۲. امکان نداشتن شناخت خدا

یکی دیگر از لوازم دیدگاه تفویض‌گرایی سلفیه امکان نداشتن شناخت خدا است؛ زیرا بر اساس برخی از روایات (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۷۴/۱) و باور برخی از اندیشمندان مسلمان (فاضل مقداد، ۱۴۰۵: ۲۳۹)، شناخت خدا تنها از طریق صفات او ممکن است. آنان بر این باورند که ذات خدا قابل شناخت نیست و تنها از طریق صفات می‌توان شناختی از او به دست آورد (فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۱۵۵)؛ اما بر اساس نظریه سلفیه که کیفیت انتساب صفات به خدا برای بشر دست‌نیافتنی است، انسان هیچ گونه شناختی از خدا به دست نخواهد آورد.

۵-۲. انکار اعجاز زبانی قرآن

دیدگاه سلفیان در معناشناسی صفات خبری بر نفی مجاز در قرآن مبتنی است و انکار اعجاز زبانی آن را در پی دارد. نفی مجاز در قرآن به معنای نفی فصاحت و بلاغت آن است و در نتیجه منجر به انکار اعجاز زبانی قرآن می‌شود (اله‌بداشتی، ۱۳۹۳: ۱۵۵)، در حالی که مجاز از آرایه‌های کلام است و از فصاحت و بلاغت آن حکایت دارد (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). ابن تیمیه نیز در مقام عمل، در موارد بسیاری مجاز در قرآن را پذیرفته و تأویلات بسیاری از صحابه را گزارش کرده است (المعطنی، ۱۴۱۶: ۱۰-۲۲)؛ برای نمونه، او از ابن عباس در تفسیر آیه «یوم یکشف عن ساق» (قلم: ۴۲) نقل کرده که او ساق را به شدت امر حمل می‌کرده است (ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۷۱/۱).

به نظر می‌رسد ابن تیمیه با تأویل صفات خبری موافق است، اما برای فرار از تأویل و تفسیر خلاف ظاهر آیات از یک سو و فرار از تشبیه خالق به مخلوق از سوی دیگر، به اشتراک اسمی مفاهیم بین انسان و خدا روی آورده است (همان: ۱۵۳)؛ زیرا پذیرفتن کاربرد حقیقی صفات خبری درباره خدا بدون کیفیت، چیزی جز پذیرش تأویل عقلانی آنها نیست. به عبارت دیگر، پذیرش معنای ظاهری صفات خبری همراه با نفی کیفیت از آنها نوعی تأویل است که بر اساس آن، صفات خبری به کیفیت رایج در عرف به خدا نسبت داده نمی‌شوند. بنابراین ابن تیمیه، در مقام عمل، صفات خبری را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که می‌توان گفت با تأویل اجمالی آنها موافق است؛ اما در مقام گفتار، با تأویل این صفات مخالفت می‌ورزد.

۶-۲. مکانمندی خدا

مکانمندی از لوازمی است که از انتساب برخی صفات خبری با معنای ظاهری به خدا برمی‌آید. لازمه صفاتی چون استوای بر عرش و نزول و رؤیت مکانمندی خدا است. همچنین لازمه صفاتی که به نحوی برای خدا اثبات جهت می‌کنند این است که خدا در مکان قرار داشته باشد، اگر نه اثبات جهت برای او بی‌معنا است. اگر رؤیت به معنای ظاهری در حق خدا پذیرفته شود، خدا باید در مکانی قرار گیرد تا دیده شود. سلفیان

بر رؤیت خدا با چشم در قیامت اتفاق نظر دارند. حتی ابن تیمیه بر این باور است که امکان دارد برخی در همین دنیا خدا را با چشم سر ببینند (ابن تیمیه، بی تا الف: ۳۰۹-۳۱۰). همچنین لازمه اینکه خدا بر عرش نشسته باشد یا به آسمان دنیا نزول کند این است که در مکان قرار گیرد. مکانمندی لازمه دیدگاه کسانی است که صفات خبری را به معنای ظاهری و حقیقی برای خدا اثبات می‌کنند، اما بر این باورند که کیفیت آنها قابل فهم نیست؛ زیرا پذیرش صفاتی مانند اثبات استوای بر عرش و رؤیت به معنای حقیقی و ظاهری برای خدا به معنای اثبات مکانمندی او است. این در حالی است که لازمه اثبات جهت و مکان برای خدا مخلوق و محدث دانستن او است و با تنزیه او منافات دارد (رازی، ۱۴۱۵: ۳۵-۴۴).

تفویض‌گرایان صفات خبری‌ای که مستلزم اثبات مکانمندی خدا هستند را به معنای حقیقی و ظاهری پذیرفته‌اند. آنان نشستن خدا بر عرش و نزول او به آسمان دنیا را به معنای ظاهری و حقیقی دانسته و دیده شدن خدا در دنیا و آخرت با چشم را پذیرفته‌اند. لازمه پذیرش ظاهری این صفات اثبات مکان برای خدا است. حتی اگر آنان تأکید کنند که کیفیت نزول و استوای خدا بر عرش دانسته نیست، دیده شدن خدا با چشم سر در دنیا و آخرت به معنای اثبات جهت و مکان برای خدا است؛ زیرا تا خدا در مکانی قرار نگیرد، دیده نخواهد شد.

۷-۲. ترکیب خدا

مرکب دانستن خدا یکی دیگر از لوازم انتساب برخی از صفات خبری به معنای حقیقی و ظاهری به خداوند است. لازمه حمل صفاتی که برای خداوند اثبات جسم می‌کنند، ترکیب خدا است؛ زیرا لازمه هر جسمی محدودیت است. همچنین لازمه اثبات صفات متعدد خبری به معنای ظاهری این است که خدا اعضا و جوارح متعددی مانند ید، عین و وجه داشته باشد. مرکب بودن خدا لازمه دیدگاه کسانی است که کاربرد صفات خبری را درباره خدا به معنای ظاهری و حقیقی پذیرفته‌اند؛ چراکه هر مرکبی نیازمند اجزا است. اگر خداوند مرکب از اعضا و جوارح باشد، در دیدن نیاز به عین، در فعل

نیاز به ید و در راه رفتن نیاز به پا خواهد داشت و این با صمدیت مطلق او منافات دارد (رازی، ۱۴۱۵: ۲۵). همچنین ترکیب خدا با بساطت ذات او سازگار نیست، در حالی که سلفیه خدایی را اثبات می‌کنند که بسیط من جمیع جهات نیست، بلکه ذاتی مرکب از نفس، وجه و مانند اینها است (الهداشتی، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

۸-۲. نیازمندی خدا

نیازمندی خدا از دیگر لوازم حمل برخی از صفات خبری به معنای ظاهری است. صفاتی که به نوعی برای خدا اثبات مکان، جهت و ترکیب می‌کنند مستلزم نیازمندی خدا به مکان، جهت، اعضا و جوارح هستند. همچنین لازمه تجسیم، ترکیب است و لازمه ترکیب، نیازمندی. کاربرد صفات خبری به معنای ظاهری و حقیقی برای خدا به این معنا است که خدا مانند انسان چشم، دست و دیگر اعضا و جوارح دارد و در نتیجه مرکب و نیازمند به اعضا و جوارح است. به عبارت دیگر، لازمه داشتن اعضا و جوارح، مرکب بودن خدا است و لازمه ترکیب، نیازمندی او.

نیازمندی لازمه دیدگاه مجسمه و مشبیه است که صفات خبری را به معنای ظاهری حمل کرده و جسمانیت را در حق خداوند پذیرفته‌اند. همچنین لازمه دیدگاه ابن تیمیه از نگاه هستی‌شناسی نیز محسوب می‌شود؛ زیرا ابن تیمیه از نظر هستی‌شناسی کاربرد صفات خبری را درباره خدا حقیقی و ظاهری دانسته و با تأویل آنها مخالف است، در حالی که نیازمندی خدا با مفاد و حتی ظاهر برخی از آیات قرآن منافات دارد، مانند آیاتی که خداوند را غنی و صمد مطلق معرفی می‌کنند؛ از جمله «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ» (محمد: ۳۸) که خدا را غنی و انسان‌ها را نیازمند معرفی می‌کند.

یکی از نقدها بر نظریه سلفیه این است که این دیدگاه بر خلاف محکّمات قرآن است؛ زیرا آیات قرآن به محکم و متشابه تقسیم می‌شوند و هر دیدگاهی که مخالف آیات محکم باشد، مردود است. فخر رازی سوره اخلاص را از محکّمات قرآن و دیدگاه مخالف آن را باطل می‌داند (رازی، ۱۴۱۵: ۲۴)، در حالی که دیدگاه سلفیه در صفات خدا مخالف محتوای این سوره است. همچنین از آنجا که هر جسمی مرکب و

هر مرکبی نیازمند اجزا است، اگر خدا مرکب از اعضا و جوارح باشد، در دیدن نیاز به عین، در فعل نیاز به ید و در راه رفتن نیاز به پا خواهد داشت که با صمدیت مطلق او منافات دارد (همان: ۲۵)؛ بنابراین لازمه دیدگاه مجسمه و مشبیه و همچنین دیدگاه تفویض‌گرایی از نظر هستی‌شناسی، ترکیب و نیازمندی و تشبیه خدا است که با مفاد برخی دیگر از آیات قرآن سازگار نیست.

پذیرش تحلیل جسمانی صفات خبری به معنای پذیرش تناقض در قرآن است؛ زیرا بسیاری از آیات قرآن جسمانیت و لوازم آن را از خدا نفی کرده‌اند، در حالی که لازمه تحلیل صفات خبری به معنای ظاهری و حقیقی، اثبات تجسیم و تشبیه در حق خدا است. آیاتی مانند «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص: ۱) بر تنزیه خدا از جسمیت، جهت، ترکیب و مکانمندی دلالت دارند. جسمانیت خدا با آیات «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص: ۴) و «أَيُّسَ كَمِثْلَهُ شَيْءٌ» (شوری: ۱۱) منافات دارد و نیازمندی‌اش با «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَآنتُمْ الْفُقَرَاءُ» (محمد: ۳۸). همچنین تحیز، قسمت‌پذیری و تماثل از ویژگی‌های موجود جسمانی است و با صمدیت مطلق خدا منافات دارند. تماثلات در لوازم اشتراک دارند، به این بیان که اگر یکی از اجسام نیازمند باشد، باید همه آنها نیازمند باشند. در نتیجه اگر برای خدا جسمیت اثبات شود، به این معنا است که باید تمام لوازم اجسام را داشته باشد (فاضل مفاد، ۱۴۲۲: ۱۶۸-۱۷۰).

نتیجه

از بررسی دیدگاه سلفیه در معناشناسی صفات خبری نتایج ذیل به دست می‌آید: سلفیان صفات خبری را به معنای ظاهری و حقیقی (همان معنایی که درباره انسان کاربرد دارد) به خدا نسبت می‌دهند، اما کیفیت آن را برای بشر دست‌نیافتی و مجهول می‌دانند. یکسان‌انگاری خدا با انسان، جسم‌انگاری، ترکیب، مکانمندی و نیازمندی خدا از پیامدهای دیدگاه آنان از نگاه هستی‌شناسی در تحلیل صفات خبری است. از نقدهای این نظریه ناسازگاری آن با تنزیه خدا از محدودیت‌های جسمانی و مادی و مخالفت با مفاد حتی ظاهر برخی از آیات قرآن است.

تعطیل‌گرایی، امکان نداشتن شناخت خدا و تعطیل اعجاز زبانی قرآن از پیامدهای دیدگاه سلفیه در تحلیل صفات خبری به شمار می‌آید. این لوازم با مفاد برخی از آیات و روایات که فرمان به تعقل و تدبر داده‌اند، منافات دارند و انکار اعجاز زبانی قرآن با فصاحت و بلاغت آن سازگار نیست.

به نظر می‌رسد تعطیل‌گرایی مهم‌ترین پیامد دیدگاه سلفیه در معناشناسی صفات خبری است؛ زیرا دیگر پیامدها، از جمله مکانمندی و ترکیب و نیازمندی، از لوازم حمل صفات خبری بر ظاهر از نگاه هستی‌شناسی‌اند. تعطیل‌گرایی پیامد دیدگاه سلفیه در معناشناسی صفات خبری به شمار می‌آید و امکان نداشتن شناخت خدا و انکار اعجاز زبانی قرآن، که از پیامدهای دیدگاه سلفیه در معناشناسی صفات خبری‌اند، نیز به نوعی به تعطیل‌گرایی برمی‌گردند.

منابع

- آمدی، سیف‌الدین (۱۴۲۳)، *أبکار الأفكار فی أصول‌الدین*، تحقیق احمد محمد مهدی، قاهره: دارالکتب.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (بی تا الف)، *کتاب الرد علی المنطقیین*، مقدمه سید سلیمان ندوی، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۲۷)، *درء تعارض العقل والنقل او موافقة صحیح المنقول لصریح المعقول*، تحقیق سید محمد سید و سید ابراهیم صادق، قاهره: دارالحديث.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (بی تا ب)، *مجموعه الفتاوی*، طبعه الشيخ عبدالرحمن بن قاسم، بی‌جا.
- ابن عطیه آندلسی، ابومحمد (۱۴۱۳)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۰۱)، *روضه الناظر و جنة المناظر*، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر (۱۴۱۵)، *اجتماع الجیوش الإسلامیة علی غزو المعطه والجهمیة*، شرح و تحقیق رضوان جامع رضوان، بیروت: دارالفکر.
- اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۳۰)، *الابانه فی اصول الدیانة*، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
- اله‌بداشتی، علی (۱۳۹۳)، *خدای سلفیه؛ بررسی آرای سلفیه درباره توحید و نقد آن از دیدگاه قرآن، سنت و برهان*، قم: کتاب طه.

- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، تفسیر، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۷)، الاسماء و الصفات، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت: دارالجليل.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹)، *نهایة المرام فی علم الکلام*، تحقیق فاضل العرفان، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- رازی، فخرالدین (۱۴۱۵)، *اساس التقديس فی علم الکلام*، بیروت: مؤسسه الكتاب الثقافیه.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۸)، *درآمدی بر علم کلام*، قم: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳)، *منشور جاوید*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۵)، *رسائل و مقالات*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- سلطانی، مصطفی (۱۳۹۱)، «صفات خبری از دیدگاه امامیه و معتزله با تأکید بر اندیشه سید مرتضی و قاضی عبدالجبار»، *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، سال ۸، شماره ۲۹، ص ۱۲۷-۱۴۶.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۲۵)، *نهایة الاقسام فی علم الکلام*، تحقیق احمد فرید مزیدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴)، *الملل و النحل*، تحقیق: محمد بدران، قم: الشریف الرضی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان طوسی، نصیرالدین (۱۴۰۵)، *تلخیص المحصل المعروف بقصد المحصل*، بیروت: دارالاضواء.
- غزالی، ابوحامد (۱۴۰۹)، *الاقتصاد فی الاعتقاد*، بیروت: دارالکتب العربیه.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۵)، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين*، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۲)، *اللوامع الإلهية فی المباحث الكلامية*، تحقیق قاضی طباطبایی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فخری، ماجد (۲۰۰۰)، *تاریخ الفلسفة الاسلامیه*، نقله الی العربیه کمال یازجی، بیروت: دارالمشرق.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- المعطنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد (۱۴۱۶)، *المجاز عند الامام ابن تیمیة و تلامیذه بین الانکار و الاقرار*، مکتبه وهبه.
- نجار، عامر (۱۴۲۳)، *علم الکلام عرض و نقد*، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

References

- Amidi, Sayf al-Din. 2002. *Abkar al-Afkar fi Usul al-Din* (Novel Ideas on the Principles of the Religion). Edited by Ahmad Muhammad Mahdi. Cairo: Dar al-Kutub. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn ‘Abd al-Halim. n.d.(a). *Kitab al-Radd ‘ala-l-Mantiqiyyin* (The Book of Refutation of Logicians). Prefaced by Sayyid Sulayman Nadawi. Beirut: Dar al-Ma‘rifa. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn ‘Abd al-Halim. 2006. *Dar’ Ta‘arud al-‘Aql wa-l-Naql aw Muwafaqa Sahih al-Manqul li-Sarih al-Ma‘qul* (Exclusion of the Reason-Tradition Conflict, or Agreement of What is Accurately Transmitted with What is Clearly Reasoned). Edited by Sayyid Muhammad Sayyid and Sayyid Ibrahim Sadiq. Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn ‘Abd al-Halim. n.d.(b). *Majmu‘at al-Fatawa* (Collection of Fatwas). n.p.: al-Shaykh ‘Abd al-Rahman ibn Qasim Printing. [In Arabic]
- Ibn ‘Atiyya al-Andulusi, Abu Muhammad. 1992. *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-‘Aziz* (The Brief Writing on the Exegesis of the Honored Book). Edited by ‘Abd al-Salam ‘Abd al-Shafi Muhammad. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyya. [In Arabic]
- Ibn al-Qudama, ‘Abd Allah ibn Ahmad. 1980. *Rawdat al-Nazir wa Jannat al-Manazir* (The Garden of the Viewer and the Heaven of Vistas). Beirut: Dar al-Kutub al-‘Arabi. [In Arabic]
- Ibn Qayyim al-Jawzi, Muhammad ibn Abi Bakr. 1994. *Ijtima‘ al-Juyush al-Islamiyya ‘ala Ghazw al-Mu‘ta wa-l-Jhamiyya* (The Gathering of Islamic Armies for the Battle of Mu‘ta and Jhamiyya). Commented and edited by Ridwan Jami‘ Ridwan. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ash‘ari, ‘Ali ibn Isma‘il. 2008. *Al-Ibana fi Usul al-Diyana* (The Clarification of the Principles of Religiosity). Cairo: Maktabat al-Thiqafat al-Diniyya. [In Arabic]
- Allah Bidashti, ‘Ali. 2014. *Khuda-yi Salafiyyih: Barrasi-yi Ara-yi Salafiyyih darbari-yi Towhid va Naqd-i An az Didgah-i Qur’an, Sunnat, va Burhan* (The God of Salafis: Consideration of Salafi Views of Monotheism and their Critique from the Viewpoint of the Qur’an, the Tradition, and Reason). Qom: Taha Books. [In Persian]
- Balkhi, Muqatil ibn Sulayman. 2002. *Tafsir* (Exegesis). Edited by ‘Abd Allah Mahmud Shahata. Beirut: Dar Ihya’ al-Turath. [In Arabic]
- Bayhaqi, Ahmad ibn al-Husayn. 1996. *Al-Asma’ wa-l-Sifat* (The Names and Attributes). Edited by ‘Abd al-Rahman ‘Umayra. Beirut: Dar al-Jayl. [In Arabic]

- Al-Hilli, al-Hasan ibn Yusuf. 1998. *Nihayat al-Maram fi 'Ilm al-Kalam* (The Ultimate Wish in the Science of Kalam). Edited by Fadil al-'Irfan. Qom: al-Imam al-Sadiq Institute. [In Arabic]
- Razi, Fakhr al-Din. 1994. *Asas al-Taqqdis fi 'Ilm al-Kalam* (The Foundation of Sanctification in the Science of Kalam). Beirut: Mu'assisat al-Kitab al-Thiqafiyya. [In Arabic]
- Razi, Fakhr al-Din. 1999. *Mafatih al-Ghayb* (Keys of the Hidden). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Rabbani Gulpayigani, 'Ali. 1999. *Daramadi bar 'Ilm-i Kalam* (An Introduction to the Science of Kalam). Qom: Dar al-Fikr. [In Persian]
- Subhani, Ja'far. 2004. *Manshur-i Javid* (The Eternal Charter). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Subhani, Ja'far. 2004. *Rasa'il va Maqalat* (Essays and Articles). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Sultani, Mustafa. 2012. "Sifat-i Khabari az Didgah-i Imamiyyih va Mu'tazilih ba Ta'kid bar Andishi-yi Sayyid Murtada va Qadi 'Abd al-Jabbar" (Declarative Attributes from the Viewpoint of the Imamiyya and the Mu'tazila with Emphasis on al-Sayyid al-Murtada's and Qadi 'Abd al-Jabbar's Thought). *Fashnami-yi Andishi-yi Nuvin-i Dini* (Modern Religious Thought Quarterly) 8, no. 29: 127-146. [In Persian]
- Shahristani, Muhammad ibn 'Abd al-Karim. 2004. *Nihayat al-Iqdam fi 'Ilm al-Kalam* (The Ultimate Step in the Science of Kalam). Edited by Ahmad Farid Mazidi. Beirut: Dar al-Kutub al-'Arabiyya. [In Arabic]
- Shahristani, Muhammad ibn 'Abd al-Karim. 1984. *Al-Milal wa-l-Nihal* (the Sects and the Creeds). Edited by Muhammad Badran. Qom: al-Sharif al-Radiyy. [In Arabic]
- Saduq, Muhammad ibn 'Ali. 1999. *Uyun Akhbar al-Rida 'Alayh al-Salam* (Springs of Hadiths from al-Rida Peace be upon Him). Edited by Mahdi Lajvardi. Tehran: Jahan. [In Arabic]
- Tusi, Nasir al-Din. 1984. *Talkhis al-Muhassal al-Ma'ruf bi-Naqd al-Muhassal* (Summary of al-Muhassal [the Acquired], known as the Critique of al-Muhassal). Beirut: Dar al-Adwa'. [In Arabic]
- Al-Ghazali, Abu Hamid. 1988. *Al-Iqtisad fi-l-I'tiqad* (Moderation in Beliefs). Beirut: Dar al-Kutub al-'Arabiyya. [In Arabic]

- Fadil Miqdad, Miqdad ibn ‘Abd Allah. 1984. *Irshad al-Talibin ila Nahj al-Mustarshidin* (Instruction of the Aspirants to the Way of Learners). Edited by Sayyid Mahdi Raja’i. Qom: Library of Ayatollah Mar’ashi. [In Arabic]
- Fadil Miqdad, Miqdad ibn ‘Abd Allah. 2001. *Al-Lawami‘ al-Ilahiyya fi-l-Mabahith al-Kalamiyya* (Divine Sparks in Theological Issues). Edited by Qazi Tabataba’i. Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
- Fakhri, Majid. 2000. *Tarikh al-Falsafat al-Islamiyya* (History of Islamic Philosophy). Translated into Arabic by Kamal Yaziji. Beirut: Dar al-Mashriq. [In Arabic]
- Kulayni, Muhammad ibn Ya‘qub. 1986. *Al-Kafi* (the Sufficient). Edited by ‘Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Al-Mu‘tini, ‘Abd al-‘Azim Ibrahim Muhammad (1416). *Al-Majaz ‘ind al-Imam ibn Taymiyya wa Talmidhuh bayn al-Inkar wa-l-Iqrar* (Figurative Speech in the View of Imam Ibn Taymiyya and his Students: from Denial to Endorsement). Cairo: Maktaba Wahba. [In Arabic]
- Najjar, ‘Amir. 2002. *‘Ilm al-Kalam ‘Ard wa Naqd* (The Science of Kalam: An Introduction and a Critique). Cairo: Maktabat al-Thiqafat al-Diniyya. [In Arabic]